

عنوان مقاله :

معمای تعدد اسباب در قانون مجازات اسلامی

با تاکید بر مسوولیت مدنی اسباب و عوامل متعدد در خطاهای پزشکی

نویسنده :

دکتر محمد عابدی

استادیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

پست الکترونیکی: nazaninn@um.ac.ir

یکی از دشواریهای جبران خسارت زیان‌دیده در دعوی مسوولیت مدنی، اثبات رابطه‌ی سببیت میان فعل مرتکب و زیان وارده است که علی‌القاعده به عهده‌ی زیان‌دیده می‌باشد. وقتی این دشواری دو چندان می‌شود که در ایجاد حادثه زیانبار، دو یا چند عامل، به شکل اجتماع سبب و مباشر، اجتماع چند سبب اعم از طولی و عرضی و اجتماع چند مباشر دخالت داشته باشند.

قانون مجازات اسلامی جدید در مواد ۵۲۶ تا ۵۳۷، ضمن پذیرش قاعده‌ی لزوم استناد و انتساب عرفی ضرر به عمل مرتکب و متمایز کردن سه فرض اجتماع سبب و مباشر، اجتماع چند سبب عرضی و اجتماع چند سبب طولی، در مورد راهکارهای ضمان عاملی که زیان مستند به فعل اوست، حسب مورد، مسوولیت به میزان تاثیر در ضرر، مسوولیت مساوی اسباب متعدد و مسوولیت سبب مقدم در تاثیر را پذیرفته است.

این پژوهش، با بررسی تحلیلی و توصیفی اندیشه‌های حقوقی و مواد قانونی، نشان می‌دهد که قانون مجازات اسلامی جدید، از حیث نظری، تا حد بسیار زیادی، در حل معمای تعدد اسباب و عوامل ورود زیان توفیق یافته است؛ لیکن اتخاذ نظریه سبب مقدم در تاثیر در مورد اجتماع چند سبب طولی در مواد ۵۳۵ و ۵۳۶، که پاره‌ای از بزرگان فقه

نیز بدان نقد های اساسی وارطاً کرده اند و در رویه ی قضایی نیز مهجور افتاده است ، با قاعده لزوم استناد عرفی ضرر همیشه سازگار نیست.

کلید واژه : مسولیت مدنی-رابطه سببیت-تعدد اسباب-اجتماع سبب و مباشر-خطای پزشکی

مقدمه

از دیرباز، اندیشه های حقوقی و فلسفی، در مقام حل معمای یافتن مسوول و یا تعیین میزان مسوولیت اسباب متعدد، راهکارهای متعدد و متفاوتی مانند مسوولیت سبب نزدیک ، ضمان سبب مقدم در تاثیر ، مسوولیت سبب متعارف ، برابری مسوولیت شرایط و اسباب متعدد و تعیین مسوولیت به میزان تاثیر هر یک از اسباب در حادثه را پیشنهاد کرده اند. در حقوق ایران نیز راهکارهای تساوی مسوولیت ، تقسیم مسوولیت به میزان تاثیر و یا نحوه مداخله و توزیع خسارت به نسبت تقصیر مطرح شده است.

در خصوص زیانهای بدنی ناشی از خطای پزشکی، که غالباً چند سبب پزشکی اعم از کادر درمانی و پرستاری و یا ترکیبی از اسباب پزشکی و عوامل انسانی یا غیر انسانی دیگر دخیل هستند، مساله ی تعدد اسباب و اجتماع سبب و مباشر به شکل جدی تری مطرح می شود و بر اهمیت عملی بحث می افزاید. دخالت عواملی که در زمان درمان قابل پیش بینی نبوده اند و به منزله قوه قاهره محسوب می شوند و کوتاهی بیمار در انجام توصیه های بعد از درمان و جراحی نیز مزید بر علت می شود. همچنین نهاد پزشکی قانونی که در مقام کارشناسی در خصوص عوامل متعدد دخیل در جرح و قتل به دادرس کمک می کند باید با آگاهی از مبانی مسوولیت مدنی در مورد رابطه سببیت و تعدد اسباب عرضی و طولی اظهار نظر کند.

با وجود تلاش های بسیار از جانب حقوق دانان و فیلسوفان و فقهاء و قضات ، هنوز مساله ی سببیت بسیار پیچیده باقی مانده است به نحوی که برای برخی این گمان ایجاد شده که قضات بیشتر از روی احساس مسائل سببیت را حل می کنند و یا اینکه مساله سببیت بیشتر یک امر عقلی است تا عملی و حتی گاه این مساله را حل نشدنی عنوان می کنند. (ژوردن، ۱۳۸۵: ص ۹۹)

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱۱ با رویکردی نو به فتاوی فقها و عنایت به اندیشه های موجود در نظامهای حقوقی جهان ، در صدد بوده تا ابهام و تردید چندین ساله رویه قضایی ، که به یک رای وحدت رویه نیز در مورد تساوی مسوولیت اسباب متعدد منتهی شد، پایان دهد. این مقاله می خواهد با روش تحلیلی و توصیفی به نقد و ارزیابی راهکارهای قانون مجازات اسلامی بپردازد.

بررسی قانون جدید مجازات اسلامی نشان می دهد که مقنن، پس از ابتدای مبنای مسوولیت بر نظریه قابلیت انتساب و ضرورت تقصیر یا عمل غیر مجاز در مسوولیت های مبتنی بر تسبیب ، که حکایت از تعدد مبانی در فقه اسلامی دارد، در یافتن راه حلی منطقی برای تعدد اسباب اقدام به سه فرض متمایز نموده است: ۱- اجتماع سبب و مباشر، که با رها کردن نظر مشهور در فقه ، معیار میزان تاثیر را برای مسوولیت سبب و مباشر انتخاب کرده است. ۲- اجتماع اسباب عرضی، که با وفادار ماندن به مشهور فقها، تساوی مسوولیت را پذیرفته است. ۳- اجتماع اسباب طولی، که نظریه قابل انتقاد سبب مقدم در تاثیر را تبعیت کرده است.

در این پژوهش مباحث مورد مطالعه را بر مبنای فروض سه گانه مذکور ، در سه مبحث بررسی خواهیم کرد.

مبحث نخست: اجتماع سبب و مباشر

سبب در معنای لغوی و در ابتدا به ریسمانی گفته می شد که توسط آن به آب دست می یافتند. سپس به هر نوع

وسیله ای که در حصول مقصود موثر بود، سبب اطلاق گردید. (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ص ۷۶)

برخی گفته اند سبب، به معنای علت تامه نیست و سبب جزئی از اجزاء علت تامه می باشد و سپس آورده اند که

سبب، در اصطلاح فقهی، به اموری گفته می شود که شرع بین آنها و امور دیگر رابطه وجودی و عدمی برقرار نموده، به

طوری که از وجود سبب، تحقق مسبب، و از عدم آن، فقدان مسبب حاصل می آید. (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: صص ۷۶-

۷۸) به نظر می رسد سبب در معنای اول به معنای شرط یا مقتضی باشد، اما در معنای دوم به مفهوم علت تامه به کار رفته

است. در حالی که برخی حقوقدانان دیگر، بین علت و سبب تفاوت قایل شده اند و معتقدند میان سبب و مسبب، فقط

ملازمه وجودی است؛ اما بین علت و معلول، هم ملازمه وجودی و هم ملازمه عدمی حاکم است. (شهیدی، ۱۳۸۶: صص

۱۷ و ۱۸). برخی حقوقدانان (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۹: صص ۷۵-۷۷) نیز اظهار داشته اند که علت تامه، مرکب از شرایط و

مقتضی و عدم مانع است به نحوی که با وجود علت تامه، معلول ناگزیرا ایجاد می شود. مقتضی، بخشی از علت تامه

است که در صورت نبودن مانع به علت تامه تبدیل می شود. سبب، از مقتضی ضعیف تر است و برای آن که تاثیر کند،

علاوه بر فقدان مانع، به وجود شرط نیاز دارد. (معنایی که ما در بحث رابطه سببیت به آن نظر داریم). شرط هم آن

چیزی است که فقط در پیدایش چیز دیگر دخالت دارد. به بیان دیگر، میان شرط و مشروط ملازمه عدمی وجود دارد.

شهید اول در کتاب القواعد والفوائد سبب را چنین تعریف می کند: وصف ظاهر و قاعده مندی است که بر

اساس دلیل شرعی معرف اثبات حکم شرعی باشد به گونه ای که از وجود آن، وجود حکم و از فقدان آن، عدم حکم

لازم می آید. (جلد یک، ص ۳۹؛ به نقل از: عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ص ۷۸) این معنا از سبب با مفهوم علت تامه نزدیک تر است و با معنای مورد نظر در مسوولیت مدنی تفاوت دارد.

دکتر کاتوزیان، پس از بیان اینکه بین سبب و زیان ملازمه عرفی وجود دارد، و بعد از ذکر معیارهای شرط ضروری و عامل جوهری و ارزیابی آنها، سبب را، از دید حقوق مسوولیت مدنی، بدین شکل تعریف می کند: «سبب عاملی است که هم در ایجاد حادثه زیانبار دخالت دارد و هم شرط ضروری آن است، مگر این که اهمیت دخالت آن در ایجاد حادثه چندان قوی و مهم باشد که بتوان گفت، به تنهایی و قطع نظر از سایر عوامل، ضرر را ایجاد کرده است.» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ص ۴۳۹)

اتلاف گاه به مباشرت و گاه به تسبیب است و مراد از مباشرت، ایجاد علت تلف است مانند سوزاندن و مراد از تسبیب، ایجاد امری است که به واسطه ی آن تلف حاصل می شود، اما تلف با علت دیگری رخ می دهد، مشروط به اینکه سبب از این جهت قصد شده باشد که انتظار آن علت برود، یعنی سبب می داند که علت تلف نیز رخ خواهد داد و سبب با علت، زمینه تلف کردن مال را فراهم می سازد. (حسینی مراغی، ۱۳۸۸: ص ۳۶۱)

گفته شده ما نص شرعی در مورد مباشرت و تسبیب و تقدم یکی از آنها نداریم و معیار، صدق عرفی متلف است و مباشرت و تسبیب خصوصیتی ندارد. گاه عنوان متلف عرفی بر مباشر صدق میکند و گاه بر هر دو و گاه نیز فقط بر سبب صادق است. (الحسینی المراغی، ۱۳۸۸: ص ۳۶۳ و ۳۶۵) در واقع، در فقه اسلامی قاعده ضمان مباشر در اجتماع سبب و مباشر بیش از آنکه مستند نقلی داشته باشد، تکیه بر عقل و سیره عقلا و عرف دارد. (طباطبایی، ریاض المسائل، جلد ۱۴، ۱۴۲۳. ق. ۱۴. به نقل از: قیاسی، ۱۳۸۶: ص ۸۶)

اجتماع سبب و مباشر ناظر به حالت طولی اجتماع اسباب موثر است نه حالت عرضی. اجتماع اسباب را نباید با اجتماع سبب و مباشر مخلوط کرد: در فرض نخست اسباب گوناگون رابطه عرفی خود را با نتیجه حفظ کرده است، چندان که نمی توان یکی از آنها را مقدمه ایجاد سبب شمرد. ولی، در فرض دوم، فعل مباشر میان سبب و ایجاد ضرر مانع و فاصله ای به وجود آورده که آن رابطه ی مستقیم را قطع کرده است، به گونه ای که باید آن را سبب علت ورود ضرر یا شرط تاثیر آن به شمار آورد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ص ۴۵۲)

طبق ماده ۳۳۲ قانون مدنی: «هر گاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن بشود، مباشر مسوول است نه مسبب، مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.» از این ماده استفاده می شود که در صورت اجتماع سبب و مباشر، اصولاً مباشر مسوول است، چون اقوی بودن مباشر اصل است؛ بر خلاف اقوی بودن سبب، که نیازمند عواملی غیر از سببیت است. اما اگر سبب اقوی از مباشر باشد و نیز در فرض تساوی سبب و مباشر، مطابق قاعده و استناد تلف به مباشر، فقط مباشر مسوول است. (موسوی خمینی، بی تا: ص ۶۹۷)

ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نیز اعلام می کرد: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد.» مفاد این دو حکم برگرفته از نظر مشهور فقهاست که نسبت به آن ادعای اجماع نیز شده است.

بدین ترتیب، در حالتی که مباشر و سبب از حیث رکن روانی هر دو مقصر هستند مانند تاخیر غیر موجه پزشک در عمل جراحی و اقدام بیمار در ترک اتاق مراقبت های ویژه قبل از ترخیص از بیمارستان، با فرض نظریه کارشناس بر

نقش مساوی تقصیر مباشر (بیمار به علت ترک بیمارستان) و سبب (پزشک) قاعدتا باید پزشک را از مسوولیت مدنی مبرا دانست.

اکثریت قضات دادگستری تهران در نشست قضایی ۱۳۷۷/۱۱/۷ در مورد معیار اقوی بودن سبب یا مباشر اظهار کرده اند که: تشخیص اقوی بودن سبب امر عرفی است و چنانچه عرفا نتوان موضوع را تشخیص داد، نظریه کارشناس تحصیل می شود. هر گاه مطابق نظریه کارشناس، درصد تقصیر سبب در وقوع جنایت بیشتر از مباشر باشد سبب مسوول است. (قیاسی، ۱۳۸۶: ص ۸۵)

صاحب ریاض معتقد است اگر اجماعی وجود نداشت نظریه ضمان سبب و مباشر در فرضی که تلف مستند به مباشر و سبب هر دو باشد، حتی اگر مباشر اقوی باشد، نظریه ای قوی است؛ زیرا، حدیث لا ضرر اقتضاء دارد هر کس ضرری را ایجاد نمود، ضامن آن باشد. (سید علی طباطبایی، ریاض المسائل، جلد ۲، کتاب غضب؛ به نقل از: کاتوزیان، ۱۳۸۷: ص ۱۵۱)

از لحاظ مصداقی، فقهاء، عواملی مانند جهل، غرور، اکراه و اضطرار مباشر را با لحاظ شرایطی از عوامل اقوی بودن سبب دانسته اند.

برخی با تکیه بر عنصر معنوی در اجتماع سبب و مباشر معتقدند این عنصر معنوی است که موجب می شود عرف در داوری خود سبب را اقوی بدانند. عرف قاطعانه میان مباشر عامد و مقصر تفاوت قائل است و مباشر مقصر را کمتر قابل سرزنش می داند. (قیاسی، ۱۳۸۶: ص ۸۷) به نظر آنان، باید حالات مختلف هر یک از سبب و مباشر را از حیث رکن روانی مورد توجه قرار داد. با لحاظ اینکه هر یک از سبب و مباشر ممکن است از حیث روانی عامد، مقصر یا خاطی باشد، می توان نه صورت و فرض را متصور شد. (قیاسی، ۱۳۸۶: ص ۸۳) به نظر می رسد دخالت دادن عنصر

معنوی، به عنوان یکی از عوامل مهم احراز درجه تاثیر در ورود زیان، را باید تایید کرد؛ لیکن، آنچه مهم است این است که بین کدام یک از دو عامل سبب و مباشر با ضرر وارد شده رابطه سببیت عرفی وجود دارد و تلف را به کدام می توان نسبت داد؛ مهم درجه تاثیر در واقعه زیانبار است نه صرفاً رکن معنوی و عنصر خطا و تقصیر و عمد، به ویژه که بر تفکیک تقصیر از خطا در مسوولیت مدنی فایده ی عملی بار نمی شود. بنابراین، در فرض انتساب تلف به سبب و مباشر، باید هر دو را به نسبت درجه تاثیر ضامن دانست هر چند یکی اقوی باشد.

در هر حال، مسوولیت سبب یا مباشر اقوی، در صورتی که هر دو با نسبت متفاوت در ورود زیان نقش داشته باشند و نیز مسوولیت مباشر در فرض تساوی تاثیر سبب و مباشر، مورد انتقادات جدی بود و در دعاوی مطروح در دادگستری، قضات و کارشناسان، (قیاسی، ۱۳۸۶: ص ۸۶) غالباً، آگاهانه یا ناآگاهانه، به مقتضای انصاف و عدالت عمل کرده و به مسوولیت مشترک سبب و مباشر حکم می دادند مگر اینکه تاثیر یکی از آنان به قدری ناچیز می بود که نتوان رابطه سببیت عرفی را احراز کرد. پاره ای از حقوقدانان نیز با نقد اجماع نقل شده معتقد بودند که در صورتی که نحوه ی دخالت مباشر و مسبب در نظر عرف یکسان باشد، به نظر می رسد که باید هر دو را مسوول شمرد؛ به ویژه جایی که هر دو قصد اتلاف دارند. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ص ۲۶۹)

این انتقادات موجب شد تا قانون گذار از نظر مشهور دست بردارد و به فتوای معتبر اقلیت در فقه پیوندد. امری که با قانون اساسی نیز سازگار است زیرا اصل ۱۷۷ قانون اساسی بر تبعیت قاضی از «فتاوی معتبر» تصریح دارد نه فتوای مشهور و بدیهی است که همیشه میان فتوای مشهور و فتوای معتبر ملازمه نیست. در هر حال ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی چنین اشعار می دارد:

«هر گاه دو یا چند عامل ، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تاثیر داشته باشند ، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد ، به طور مساوی ضامن می باشد مگر تاثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تاثیر رفتارشان مسوول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل ، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن باشد فقط سبب ضامن است.»

بدین ترتیب در نظام حقوقی کنونی ، اولاً در اجتماع سبب و مباشر ، مانند دیگر فروض اجتماع عوامل متعدد در زیان ، نظریه قابلیت تجزیه رابطه سببیت و به تبع آن نظریه تقسیم مسوولیت اسباب متعدد پذیرفته شده است.

ثانیاً در اتلاف و تسبیب قابلیت استناد عرفی زیان به فعل زیانبار معیار و مناسب مسوولیت قرار گرفته است زیرا قانون به صراحت از استناد جنایت به یکی از عوامل یا همه ی آنها سخن می گوید. هر چند مذاقه در مواد متعدد راجع به تسبیب نشان می دهد که عدوان یا تقصیر یا غیر مجاز بودن عمل لازمه ی تحقق تسبیب است و ضمان مسبب را باید در پرتو سایر مواد حکم داد.

ثالثاً برخلاف مقررات سابق ، قانون جدید به صراحت مسوولیت همزمان سبب و مباشر را ، مشروط به انتساب زیان به هر دو ، قبول کرده است و در این امر تفاوتی نمی کند که سبب یا مباشر کدام اقوی باشند یا این که هر دو مساوی باشند. در واقع ، معیار انتساب ضرر به جای معیار اقوی بودن نشسته است. این امر مطابق با حدیث لا ضرر است که اقتضاء دارد هر کس در ایجاد زیان دخالت دارد مسوول جبران آن باشد و صاحب ریاض سالها قبل به آن اشاره کرده بود.

رابعاً قانون به عنصر روانی مباشر و مسبب ظاهراً توجهی نکرده است. این امر هر چند قابل تایید است زیرا هدف مسوولیت مدنی جبران خسارت است نه مجازات خطاکار ؛ لیکن در ارزیابی میزان تاثیر هر یک از سبب و مباشر در

ورود زیان و انتساب عرفی خسارت به عامل آن بدون تردید عمد و تقصیر هر یک از دو عامل سبب و مباشر تاثیر دارد و عرف بین عامد و مقصر تمیز قائل می شود.

خامسا در صورتی که خسارت به سبب و مباشر هر دو مستند باشد و تاثیر هر کدام متفاوت باشد، رویه قضایی مردد و متفاوت است. به نظر می رسد قانون گذار با تفکیک اجتماع سبب و مباشر از اجتماع اسباب متعدد به نحو عرضی که شرکت در ضرر حادث شده باشد، در مورد فرض نخست تساوی مسوولیت را رد کرده و مقرر کرده که اگر «تاثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد... هر یک به میزان تاثیر رفتارشان مسوول هستند...»، اما در فرض دوم، به موجب ماده ۵۳۳ ق.م.ا. تساوی در ضمان را پذیرفته است.

سادسا چون معیار ضمان سبب و مباشر استناد ضرر به آنان است بنابراین «در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن باشد فقط سبب ضامن است.» زیرا در این مصداقها عرفا نمی توان زیان را به مباشر مستند کرد. حصری نبودن مصادیق به قاضی در اجرای عدالت کمک می کند تا بتواند در هر حادثه ای که زیان به مباشر یا سبب مستند نباشد به عدم مسوولیت آنها حکم کند.

مبحث دوم: تعدد اسباب عرضی

در اجتماع اسباب موثر، دو حالت عرضی و طولی متصور است: در حالت عرضی همه اسباب موثر در زیان وارد شده، به طور همزمان و در عرض یکدیگر عمل می کنند و عامل دوری و نزدیکی در آن متصور نیست و نمی توان سبب اول را از سبب آخر تمیز داد. اما در حالت طولی هر کدام از اسباب موثر در ضمان شرایط و مقدمات لازم را به وجود می آورند و در انتهای سلسله عوامل با تحقق آخرین سبب زیان محقق می شود. (عمید زنجانی، ۱۳۸۹: ص ۹۰)

در فرض تعدد اسباب و عوامل در وقوع حادثه زیانبار، آیا همه این عوامل و اسباب را می توان سبب حقوقی ورود زیان تلقی کرد یا اینکه باید بین شرایط و اسباب متعدد دست به انتخاب زد؟ با توجه به اینکه اسباب متعدد می تواند عوامل انسانی اعم از عامل زیان و زیاننده و عوامل قهری باشد، بحث تعدد اسباب عرضی را در ضمن سه قسمت مطالعه خواهیم کرد.

الف- اجتماع اسباب متعدد عرضی بدون دخالت قوه قاهره و زیاننده

شیخ طوسی در مورد تصادم بین دو کشتی و انهدام کشتیها و مسافران و محمولات آنها معتقد است که در فرض انتساب تصادم به ناخدایان هر دو کشتی هر کدام مسوول نصف خسارات وارد شده به کشتی مقابل و محمولات و مسافران آنهاست. در صورت فقدان تقصیر هر دو اختلاف نظر است: برخی قائل به عدم مسوولیت هر دو و گروهی مانند فرض اول هر کدام را ضامن نصف خسارات کشتی مقابل می دانند شیخ طوسی نظر اول را مرجح می داند لیکن ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نظر دوم را پذیرفته بود. در فرض سوم که یکی از کشتی ها مقصر باشد ناخدای مقصر ضامن تمام خسارات کشتی مقابل می باشد و طرف غیر مقصر ضامن نیست. (شیخ طوسی، المبسوط، جلد ۷، صص ۱۶۸ و ۱۶۹؛ به نقل از: صادقی و همکاران، ۱۳۸۷: صص ۷۷ و ۷۸)

در مورد تعدد اسباب که ورود خسارت مستند به فعل یا ترک فعل دو یا چند نفر است فقها در مصادیق متعددی مانند پرتاب سنگ با منجنیق به وسیله چند نفر و تخریب دیوار توسط تعدادی از اشخاص که در هر دو مثال عمل مشترک آنان منتهی به قتل دیگری می شود حکم به توزیع مسوولیت به نسبت مساوی بین کلیه مسوولان کرده اند (نجفی، جواهر الکلام، جلد ۴۳، ص ۷۵؛ به نقل از: صادقی و همکاران، ۱۳۸۷: صص ۸۵ و ۸۶)

در مقابل گفته شده که فقها، جز در مورد غضب، در سایر مصادیق ضمان قهری مسوولان متعدد، شرط احراز مسوولیت را قابلیت انتساب قرار داده و میزان مسوولیت هر یک از اسباب متعدد را بر اساس درجه تاثیر و دخالت هر یک از اسباب در ایجاد خسارت تعیین کرده اند و در موارد عدم امکان تعیین درصد تاثیر هر یک از مسوولان در ایجاد خسارت مسوولیت به نسبت مساوی بین همه مسوولان متعدد تقسیم می شود. (صادقی و همکاران، ۱۳۸۷:ص ۸۹)

در دکترین، در مورد نحوه تقسیم مسوولیت و توزیع خسارت در فرض تعدد اسباب با توجه به قوانین متعدد با راهکارهای متفاوت (مواد ۱۶۵ قانون دریایی و ۱۴ قانون مسوولیت مدنی و ۶ آیین نامه اجرایی قانون بیمه اجباری ۱۳۴۷ و ۳۴۵ و ۳۳۴ تا ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی سابق) چهار نظریه ابراز شده است: ۱- تقسیم مسوولیت بر اساس درجه تقصیر؛ ۲- توزیع خسارت بر مبنای نحوه ی مداخله یعنی تمام اوضاع و احوال حاکم بر دخالت شخص در ایجاد خسارت و از جمله عامل تقصیر؛ ۳- تقسیم ضمان بر پایه ی میزان تاثیر فعل زیانبار هر سبب در زیان و از جمله لحاظ تقصیر؛ و ۴- تساوی مسوولیت تمام اسباب متعدد

برخی نویسندگان (خدابخشی، ۱۳۸۸:صص ۱۶۸-۱۷۱) با بیان تفاوت های مسوولیت کیفری و مسوولیت مدنی و این امر که در اولی درجه تقصیر اهمیت دارد و تقصیر امر ذهنی و شخصی می باشد و میزان مجازات و مسوولیت بر مبنای آن تعیین می شود و اصل فردی کردن مجازاتها مبتنی بر همین امر می باشد؛ اما در مسوولیت مدنی به جبران خسارت توجه می شود بدون اینکه درجه تقصیر در میزان مسوولیت به حساب آید و ممکن است از تقصیر کوچک خسارت عمده به بار آید و حقوق مسوولیت مدنی هیچ تردیدی در جبران تمام خسارت ندارد، نتیجه گرفته اند که راهکار تساوی مسوولیت اقوی است. این سخن در مورد ترجیح نظریه تساوی مسوولیت بر تقسیم به نسبت تقصیر شاید قابل توجه باشد

، اما نافی نظریه تقسیم به نسبت درجه تاثیر در زیان نیست و نظریه اخیر با نظریه قابلیت تجزیه رابطه سببیت و به تبع آن توزیع ضمان، انطباق بیشتری دارد و به عدالت و بنای عقلا (عرف) نزدیک تر است.

در هر حال ، قانون مجازات اسلامی جدید، در ماده ۵۳۳، اعلام می کند: «هر گاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد ، به طور مساوی ضامن می باشند.» مفاد این حکم به گونه ای دیگر در ماده ۵۲۸ همین قانون در خصوص برخورد دو وسیله نقلیه زمینی و هوایی و دریایی تکرار شده است.

در مورد این ماده باید گفت که اولاً حکم به تساوی منصرف از اسباب متعدد طولی است که احکام آن در مبحث اجتماع سبب و مباشر و نیز مبحث سبب مقدم در تاثیر آمد. ثانیاً لازمه تساوی اسباب متعدد آن است که خسارت به همه ی اسباب مستند باشد . بنابراین عواملی که در زمره ی شروط و مقدمات باشند مسوولیتی نخواهند داشت. ثالثاً از اصطلاح (به نحو شرکت) استفاده می شود که حکم مقنن ناظر به اسباب متعدد عرضی است که به طور همزمان خسارتی را به بار آورده اند. هر چند به نظر می رسد مقصود مقنن سبب به معنای دقیق کلمه نباشد و شامل مشارکت دو یا چند مباشر که همزمان زیانی را ایجاد کنند، نیز بشود؛ مانند فرضی که چند نفر با هم دیواری را هل داده و تخریب کنند و یا چند جراح به طور همزمان عمل جراحی واحدی را بر روی بدن بیمار انجام دهند. رابعاً هر چند حکم مقنن برای تسهیل دادرسی مفید است ، ولی با مبانی کلی پذیرفته شده توسط مقنن در مورد تجزیه سببیت و توزیع خسارت منافات دارد ، مضافاً اینکه، در ماده ۵۲۷ همین قانون، در مورد برخورد بی واسطه ی دو نفر و کشته شدن آنها، معیار مسوولیت به میزان تاثیر پذیرفته شده است و جمع مواد ۵۲۷ و ۵۳۳ به راحتی میسر نیست.

یکی از استادان (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ص ۴۸۹) حکم به اشتراک ضمان و برابری مسوولیتها را ناشی از اشکالی می داند که گروهی از فقیهان نسبت به امکان اشتغال ذمه های متعدد به دین واحد دارند. ولی به نظر می رسد میان اجتناب از تضامن بین مسوولان متعدد با مسوولیت مساوی آنان ملازمه ای نباشد که قانون گذار بخواهد از آن دوری کند. زیرا امکان پیش بینی مسوولیت مشترک وجود دارد اما تقسیم مسوولیت به نسبت دخالت در حادثه باشد. در هر حال، این حکم از تضمین جبران خسارت زیاندریده می کاهد. در عوض دعوای مسوولیت مدنی را ساده می کند و دادرس را از رسیدگی به میزان دخالت هر یک از اسباب و عوامل موثر در آن معاف می کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ص ۴۹۰) گفته شده (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ص ۴۹۰) که تساوی مسوولیت با روح قاعده لا ضرر که به جبران ضررهای ناروا تمایل دارد مخالف است؛ لیکن چنین استنباطی از قاعده لا ضرر صحیح به نظر نمی رسد زیرا قاعده لا ضرر بر جبران تمام خسارتها تاکید دارد اما به تضامن مسوولان متعدد مرتبط نیست.

ب- اجتماع فعل یا تقصیر زیاندریده با عامل زیان

در حقوق رم بر مبنای قاعده «پام پونیوس» (pomponius) تقصیر زیاندریده در ورود زیان، صرف نظر از میزان تقصیر او در زیان، از دریافت تمام خسارت محروم می شد. (کاظمی، ۱۳۹۱: ص ۸۱) در نظام قدیم کامن لا نیز مطابق قاعده تقصیر مشترک (contributory negligence) تقصیر زیاندریده او را از دریافت هر گونه خسارت محروم می کرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ص ۴۹۴)

مبنای قواعد بالا این بود که اولاً به زیاندریده بی احتیاط نباید با دادن خسارت پاداش داد بلکه باید با محروم کردن او از مطالبه خسارت وی را مجازات نمود. ثانیاً با پذیرش نظریه غیر قابل تجزیه بودن رابطه سببیت معتقد بودند که امکان تجزیه مسوولیت وجود ندارد و بهتر آن است که زیان بر کسی تحمیل شود که طبیعتاً بر او وارد شده است. از دیدگاه

تحلیل اقتصادی نیز گفته شده که وقتی زیان‌دیده بتواند با رعایت احتیاط و هزینه کمتر از وقوع زیان جلوگیری کند کارآمدی اقتصادی محقق می‌شود لذا عدم رعایت احتیاط زیان‌دیده تقصیری است که او را از جبران خسارت محروم می‌کند. (کاظمی، ۱۳۹۱: صص ۸۱ و ۸۸)

در انتقاد از این نظریه گفته می‌شد که در فرضی که تقصیر زیان‌دیده یکی از اسباب ورود زیان است چرا او از دریافت تمام خسارت محروم شود و دلیل معافیت عامل زیان از جبران خسارت چیست؟ (کاتوزیان، ۱۳۸۷: صص ۴۹۵) این انتقادات موجب شد پس از سیر پاره‌ای تحولات، حقوق انگلستان با تصویب قانون اصلاح تقصیر مشترک مصوب ۱۹۴۵ و رویه قضایی آمریکا با پذیرش نظریه تقصیر مقایسه‌ای (comparative negligence) امکان تقسیم زیان را به عنوان قاعده بپذیرند. (کاظمی، ۱۳۹۱: صص ۸۱-۸۵)

در فقه اسلامی، از جمله مسقطات ضمان اقدام است یعنی وقتی مالک بر اسقاط احترام مالش اقدام کند... ضمان و مسوولیت ساقط می‌شود زیرا ضمان برای رفع ضرر مالک است ضروری که در شرع نفی شده است بنابراین هر گاه مالک خودش علیه خودش اقدامی کند ضمانی به سود وی وجود ندارد. (حسینی مراغی، ۱۳۸۸: صص ۱۵-۱۸)

همچنین، در فقه اسلامی که نظریه قابلیت انتساب عرفی پذیرفته شده و نظریه قابلیت تجزیه رابطه سببیت و در نتیجه امکان تقسیم مسوولیت اعمال می‌شود، با اعمال قاعده اقدام و قاعده تحذیر و بر حسب اینکه تقصیر زیان‌دیده سبب منحصر زیان یا یکی از اسباب ورود زیان باشد، معافیت کامل عامل زیان یا کاهش مسوولیت وی را به دنبال خواهد داشت. بنا براین در حقوق اسلام هیچگاه تقصیر زیان‌دیده محرومیت او را از دریافت خسارت موجب نمی‌شود است و در فرضی که تقصیر زیان‌دیده علت منحصر زیان باشد به دلیل عدم انتساب زیان به عامل حادثه و انتفای رابطه

سببیت از مسوولیت مبری است. این احکام از پاره ای از فروع فقهی مذکور در کتب فقهه به روشنی استنباط می شود. (برای ملاحظه فروع فقهی: ر.ک. کاظمی، ۱۳۹۱: ص ۸۷)

در بند ۳ ماده ۴ قانون مسوولیت مدنی در مقام بیان یکی از مواردی که دادگاه «می تواند میزان خسارت را تخفیف دهد»، آمده است: «وقتی که زیاننده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا با اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت واردکننده زیان را تشدید کرده باشد». ممکن است از حکم مذکور استفاده شود که اصولاً دخالت زیاننده موجب کاستن از خسارت نمی شود مگر اینکه دادگاه بنا به دلایلی که در قانون نیامده و ممکن است به دلیل انصاف، در مسوولیت عامل زیان تخفیف دهد. و نیز ممکن است استدلال شود که ماده ۴ مذکور ناظر به فرضی است که عنوان حضور زیاننده در حادثه «دخالت» یعنی شرط باشد و نه «سبب». و لذا با توجه به قواعد فقهی مسلم اقدام و تحذیر، که در قانون مجازات نیز منعکس شده است، وقتی دخالت زیاننده عنوان سبب را داشته باشد بر حسب اینکه سبب منحصر یا سبب مشترک زیان باشد از جبران تمام یا بخشی از خسارت محروم می شود. این دیدگاه که مبتنی بر قاعده «الجمع اذا امکن اولی من الطرح» می باشد، بر عقیده به نسخ ضمنی آن ترجیح دارد. نتیجه آن که اگر عنوان دخالت زیاننده فقط «شرط» باشد، قاضی، در مقام انصاف، در تخفیف خسارت عامل زیان مختار باشد زیرا از حیث حقوقی عامل زیان استحقاق کاهش مسوولیت را ندارد؛ اما هنگامی که عنوان دخالت زیاننده «سبب» باشد مساله تابع فرض تعدد اسباب است که قاعدتاً مسوولیت تقسیم می شود.

برای اینکه تقصیر زیاننده بتواند موجب تغییر در مسوولیت عامل زیان شود اجتماع شرایطی ضرورت دارد: (کاظمی، ۱۳۹۱: صص ۹۰-۱۰۰) اولاً در مسوولیت های مبتنی بر تقصیر باید زیاننده مرتکب تقصیر شده باشد. البته

در جایی که مسوولیت بدون تقصیر اعمال شود ضرورتی به تقصیر آمیز بودن عمل زیاننده نیست و صرف فعل زیاننده که رابطه ی سببیت عرفی با ورود زیان داشته کفایت می کند.

ثانیا بین اقدام زیاننده و ضرر وارد شده رابطه سببیت عرفی وجود داشته باشد. ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی در خصوص تقصیر زیاننده و انتساب زیان به او مصاقی را مطرح کرده است. طبق این حکم: در صورتی که راننده با داشتن مهارت و رعایت سرعت مجاز و مطمئن و رعایت مقررات رانندگی کند و در حالی که قادر به کنترل وسیله نقلیه نیست به عابری که حضورش در آن محل مجاز نیست، یعنی مقصر است، برخورد کند، راننده ضامن نیست. قید عدم قدرت بر کنترل وسیله نقلیه بیانگر آن است که علت زیان منحصر به تقصیر زیاننده است. قابل ذکر است که مطابق ماده ۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، به عنوان حکم خاص که در صدد تضمین خسارات بدنی زیانندگان حوادث رانندگی است، عدم مسوولیت راننده، مانع از رجوع زیاننده یا اولیاء دم او به بیمه گر خودرو، و در صورت فقدان بیمه، به صندوق تامین خسارات بدنی، نیست.

ثالثا اقدام زیاننده ناشی از عمل عامل زیان نباشد. بنابراین اگر فعل یا تقصیر عامل زیان زیاننده را در موقعیت خطرناکی قرار دهد و زیاننده برای فرار از خطر اقدامی انجام دهد که تنها موفق به نجات از خطر نشده بلکه متحمل زیان شده است و ثابت شود اگر زیاننده اقدام نمی کرد زیانی واقع نمی شد؛ اقدام زیاننده او را از دریافت کامل خسارت محروم نمی کند زیرا با عمل عامل زیان رابطه ی سببیت عرفی بین اقدام زیاننده و ضرر منتفی شده است. و به بیان دیگر عامل زیان سبب اقوی از مباشر است. ماده ۴۹۹ق.م.ا. جدید ناظر به همین فرض است و آن اینکه در صورتی که شخصی دیگری را بترساند و شخص اخیر در اثر ترس بی اختیار فرار کند یا حرکت بی اختیار کند و به خودش صدمه بزند، ترساننده ضامن است

رابعا در صورتی که عامل زیان در ایجاد زیان عمد داشته باشد صرف تقصیر و یا فعل زیان‌دیده تاثیری بر مسوولیت عامل زیان ندارد زیرا در تقابل عمد با مقصر اصولا ضمان بر دوش عامد می باشد و عرفا انتساب زیان به عامد قوی تر است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ص ۵۰۱ بدیهی است در صورتی که عامل زیان و زیان‌دیده هر دو عامد و یا هر دو مقصر باشند، قاعده تقسیم مسوولیت اعمال می شود. ماده ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی در بیان دو فرضی که تقصیر زیان‌دیده علت منحصر و یا یکی از اسباب ورود خسارت باشد، می گوید: «در کلیه موارد مذکور در این فصل هر گاه جنایت منحصر مستند به عمد و یا تقصیر مجنی علیه باشد ضمان ثابت نیست. در مواردی که اصل جنایت مستند به عمد یا تقصیر مرتکب باشد لیکن سرایت آن مستند به عمد یا تقصیر مجنی علیه باشد مرتکب نسبت به مورد سرایت ضامن نیست.» در فرضی که زیان‌دیده در ورود زیان به خود عمد داشته باشد هر چند عامل زیان مرتکب تقصیر شده باشد، زیان‌دیده به طور کامل از دریافت خسارت محروم می گردد. طبق تبصره ۱ ماده ۴۹۶ در صورتی که شخص بیمار با علم به اشتباه بودن دستور پزشک، به دستور او عمل کند، پزشک ضامن نیست زیرا «صدمه و خسارت مستند به خود مریض... است». در واقع مقنن اعلام می کند در تقابل عمد و تقصیر، ضمان به عهده عامد است، زیرا عامد مباشر و اقوی است. ماده ۵۰۷ و ۵۱۲ و تبصره ماده ۵۲۳ و ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی همین قاعده را در پاره ای از مصادیق دیگر بیان کرده است.

ج- اجتماع عوامل انسانی و قوه قاهره

یکی از مصادیق تعدد اسباب در ورود خسارت دخالت قوه قاهره همراه با تقصیر خوانده است و پرسش مطرح این است که آیا باید تاثیر قوه قاهره در وقوع حادثه نادیده گرفته شود و صرفا عامل انسانی را به طور کامل مسسول تلقی کنیم (نظریه مسوولیت کامل) یا اینکه قوه قاهره در جبران خسارت زیان‌دیدگان و میزان مسوولیت عامل انسانی تاثیر

دارد و به نسبت تاثیر قوه قاهره در وقوع زیان از میزان مسوولیت عامل انسانی کاسته می شود. (نظریه کاهش مسوولیت) (عیسائی تفرشی و همکاران، ۱۳۸۶: ص ۱۹۴)، زیرا طبق ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی در همه موارد اعم از مباشرت و تسبیب و اجتماع آن دو، باید نتیجه‌ی حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد و به موجب ماده ۵۰۰ همین قانون: «در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد مانند این که در اثر علل قهری واقع شود، ضمان منتفی است.»

بر مبنای نظریه سببیت کلی و عدم امکان تجزیه رابطه سببیت، عامل انسانی بنا به فرض تمام خسارت را ایجاد کرده و مسوول جبران تمام خسارت می باشد، بعلاوه بر مبنای نظریه تقصیر، حقوق تنها سببی را که مقصر باشد می شناسد و همان سبب با ضرر رابطه سببیت اخلاقی دارد و قوه قاهره را نادیده می گیرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ص ۴۸۲) (مسوولیت کامل عامل انسانی در برخی مصداقهای مذکور در کتب فقها مانند اینکه اگر شخصی در ظرف متعلق به دیگری را باز گذارد و محتوی آن در اثر حادثه خارجی مانند باد تلف شود یا سنگی در اثر سیل به کنار چاهی برده شود که به عدوان حفر شده است و عابری به سبب برخورد به سنگ در چاه بیفتد، مستند طرفداران عدم تاثیر قوه قاهره در کاهش مسوولیت عامل انسانی قرار گرفته است. (بجنوردی، القواعد الفقهیه، جلد ۲، ص ۴۲؛ نجفی، جواهر الکلام، جلد ۴۳: ص ۱۴۷؛ به نقل از: عیسائی تفرشی و همکاران، ۱۳۸۶: ص ۲۱۶ و ۲۱۷)

در برابر، بر مبنای نظریه سببیت جزئی، که هر سببی از اسباب متعدد، فقط بخشی از خسارت را ایجاد کرده است و رابطه‌ی سببیت را قابل تقسیم می داند، مسوولیت عامل انسانی به نسبت درجه تاثیر قوه قاهره کاهش می یابد و بخشی از خسارت زیان دیده بدون جبران باقی می ماند.

در تایید نظریه سببیت کلی، که رابطه ی سببیت را غیر قابل تقسیم می داند، استدلال شده که اولاً طبیعت رابطه ی سببیت چنین اقتضاء می کند؛ با این توضیح که هر گاه اسباب متعدد در ایجاد ضرر دخالت داشته باشند، هر سبب، سبب کل خسارت است؛ زیرا، دخالت آن سبب برای ورود زیان ضروری است و بدون آن سبب، خسارت ایجاد نمی شد.

ثانیاً، ضرورت‌های عملی، یعنی عدم امکان یا دشواری تعیین تاثیر هر از اسباب متعدد در ایجاد خسارت، ایجاب می کند هر یک از اسباب، مسوول تمام خسارت باشد. (عیسائی تفرشی و همکاران، ۱۳۸۶: ص ۲۰۴) و این امر با هدف جبران کامل خسارت زیان‌دیده نیز منطبق است.

در مقابل، طبق نظریه سببیت جزئی، در صورت تعدد اسباب، بر حسب تاثیر هر یک از اسباب در وقوع حادثه، مقدار معینی از ضرر به هر یک از اسباب متعدد منتسب می شود و هر کدام تنها سبب جزئی از خسارت است نه تمام آن؛ زیرا فرض می شود که در صورت نبودن سایر اسباب آن سبب به تنهایی موجب ورود زیان نمی شد. در نتیجه، سببیت جزئی، مسوولیت جزئی را به دنبال دارد. (عیسائی تفرشی و همکاران، ۱۳۸۶: ص ۲۰۵)

در حقوق ایران، برخی (کاتوزیان، ۱۳۸۷: صص ۴۸۵ به بعد) به استناد منطق حقوقی که هر سبب در تاثیرگذاری اسباب دیگر نقش داشته، وبا وحدت ملاک از پاره ای مواد قانونی در مورد غصب و ضمان ید و ماده ۱۴ قانون مسوولیت مدنی، مسوولیت تضامنی مسوولان متعدد را در برابر زیان‌دیده پذیرفته اند. در برابر، برخی دیگر (صفایی، ۱۳۸۹: ص ۲۲۶)، با توجه به استثنایی بودن تضامن، معتقدند مسوولیت میان اسباب متعدد تقسیم می شود، به علاوه باید گفت اصولاً تعهد به اعتبار اطراف آن، اعم از طلبکاران و بدهکاران، قابل تجزیه است و عدم تجزیه نیاز به دلیل قانونی یا قراردادی دارد، مضافاً اینکه فرض می شود تمام اسباب من حیث المجموع سبب خسارت بوده اند و

یک سبب به تنهایی هر چند موثر در وقوع زیان است اما به تنهایی سبب خسارت تلقی نمی شود. (عیسائی تفرشی و همکاران، ۱۳۸۶: ص ۲۰۵)

ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی سابق با بیان اینکه: «هر گاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی بشوند به طور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود.» مسوولیت مشترک اسباب متعدد و تقسیم مسوولیت را پذیرفته بود و بر نظریه سببیت جزئی مهر تایید زده بود. در قانون جدید نیز قانونگذار با پذیرش تقسیم مسوولیت اسباب متعدد در اجتماع سبب و مباشر (ماده ۵۲۶ ق.م.ا.) و مشارکت عرضی چند سبب در ورود خسارت (م. ۵۳۳ ق.م.ا.) و اقدام زیانده در تشدید خسارت (م. ۵۳۷ ق.م.ا.) از نظریه سببیت جزئی تبعیت کرده است. بنابراین به نظر می رسد که کاهش مسوولیت عامل زیان به نسبت دخالت و تاثیر قوه قاهره با عدالت و انصاف و نظریه قابلیت استناد و روح مواد مذکور در مورد قوه قاهره سازگار تر باشد.

مبحث سوم: اجتماع اسباب طولی (نظریه سبب مقدم در تاثیر)

ماده ۳۶۴ قانون مجازات اسلامی سابق، با ذکر مثال قدیمی چاه و سنگ، نظریه سبب مقدم در تاثیر را بیان کرده بود. مفاد این حکم، با تفصیل بیشتری دوباره در مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی، با همان مثال چاه و سنگ تکرار شده است. به موجب این مواد:

«هر گاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیر مجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند، کسی که تاثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تاثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد، که در

این صورت ، کسی که سنگ را گذاشته ، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می شود.»

«هر گاه در مورد ماده ۵۳۵ این قانون ، عمل یکی از دو نفر غیر مجاز و عمل دیگری مجاز باشد، مانند آن که شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است ، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست ، شخصی که عملش غیر مجاز بوده ضامن است . اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به این که ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می شود انجام گرفته باشد ، نفر دوم ضامن است.»

در فقه امامیه مشهور است که در صورت اجتماع دو سبب ضامن بر شخصی است که زودتر تاثیر کرده است اگر چه دیرتر حادث شده باشد(موسوی خمینی، بی تا:ص ۶۹۷) به بیان دیگر ، هر گاه دخالت و تاثیر چند سبب در ورود ضرر همزمان نباشد ، ضامن بر عهده کسی است که زودتر تاثیر کرده و از این جهت مقدم بر دیگری بوده است. به نظر برخی استادان ، در واقع ، این نظریه شاخه ای از نظری سبب نزدیک و تفسیر ویژه و تحریف شده ای از آن است(کاتوزیان، ۱۳۸۷:ص ۴۶۳)

برخی دیگر(عمید زنجانی، ۱۳۸۹: صص ۹۱ و ۹۲) معتقدند نظریه سبب مقدم در تاثیر ارتباطی به حالت طولی و عرضی اسباب متعدد موثر در وقوع زیان ندارد و از مصادیق تمیز عامل اصلی با معیار عرفی است. مقصود این نیست که کدام عامل از حیث زمانی زودتر ایجاد شده است ، آنچه اهمیت دارد عامل اصلی و سبب قوی در حدوث زیان است. به بیان دیگر، سبب مقدم در تاثیر از جمله مصادیقی است که دو حالت عرضی و طولی بودن اسباب موثر در ضامن در آن یکسان هستند و در هر دو صورت باید قوی تر را ضامن و مسوول شمرد. به همین جهت، اگر فرض مساله چنان باشد که

حفرکننده چاه (مثال مشهور فقهی و قانونی) از پیش به قصد ارتکاب جنایت اقدام کرده باشد ضامن است، نه کسی که از روی بی مبالاتی سنگی بر کنار چاه نهاده است.

از دیدگاه فقهی، معیار انتساب عرفی ضرر به فعل مرتکب به عنوان قاعده در ضمان پذیرفته شده است و این امر اعم از آن است که اتلاف مستقیم و به مباشرت باشد و یا غیر مستقیم و به تسبیب باشد. با وجود این اگر نتوان به حکم عرفی رسید، مشهور معتقدند مسوولیت در اجتماع اسباب بر عهده سبب مقدم در تاثیر است و نه مقدم در وجود. مانند مثال مشهور چاه و سنگ، که از آن به معمای چاه و سنگ تعبیر کرده اند (خدابخشی، ۱۳۸۹: ص ۶۹). در این مثال مهم نیست که ابتدا چاه حفر شده یا سنگ گذاشته شده است، آنچه در تحقق ضمان اهمیت دارد سببی است که زودتر تاثیر کرده و چون ابتدا پا به سنگ اصابت کرده، پس مسوولیت متوجه گذارنده سنگ است. در توجیه آن گفته شده است که حکم بر ضمان سبب اول را تا تحقق سبب دوم استصحاب می کنیم و حکم بر مسوولیت مرتکب سبب مقدم در تاثیر داده می شود. (محقق رشتی، کتاب الغصب، صص ۱۰۹-۱۱۱؛ به نقل از: حاجی نوری، ۱۳۸۹، ص ۸۵) به علاوه، عرف در این گونه امور ورود زیان را مستند به کاری می داند که زودتر در ایجاد زیان اثر کرده است و سبب دوم در حکم شرط تاثیر نخستین سبب است. به بیان دیگر سبب اول مباشر است و سبب دوم شرط تاثیر در اجتماع سبب و مباشر است. در نقد استصحاب گفته شده است که پیش از تحقق سبب دوم یعنی افتادن در چاه هیچ اتفاقی نیفتاده و ضرری حادث نشده است که بتوان امری را استصحاب کرد و چگونه می توان بدون وجود ضمان، حکم بر ضمان را استصحاب کرد. از همین رو که حادثه منتسب به هر دو سبب است و زمان هر دو یکسان تلقی می شود و ترجیح سبب مقدم در تاثیر بلا مرجح می باشد باید به مسوولیت مشترک هر دو سبب قائل بود. (خویی، تکمله المنهاج، جلد ۲، صص

۳۲۰ به بعد؛ به نقل از: حاجی نوری، ۱۳۸۹: ص ۸۵)

در نقد استدلال دوم گفته شده که قیاس سبب مقدم در تاثیر با مباشر تلف صحیح نیست و سبب مقدم که صرفاً زمینه و مقتضی ضرر را فراهم کرده رابطه مستقیم با تلف ندارد. به علاوه، عرف همیشه تلف را به سبب مقدم در تاثیر منتسب نمی‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ص ۴۶۲)

مواد جدید بین سه فرض تفکیک کرده است: فرضی که عمل هر دو سبب عمدی است، در این صورت مسوولیت اشتراکی مقرر شده است. دوم، فرضی که عمل هر دو سبب، غیر مجاز باشد، در این حالت فقط سبب مقدم در تاثیر ضامن است، بدون آن که تفاوت حکم در دو فرض فوق مبنای موجهی داشته باشد. شاید این سخن در مسوولیت کیفری، که عنصر روانی در میزان مسوولیت کیفری تاثیر دارد، قابل قبول به نظر آید، لیکن در مسوولیت مدنی، که به جبران خسارت زیان‌دیده و نه مجازات عامل زیان، می‌اندیشد، موجه نیست. و در فرض سوم که عمل یکی عدوانی و غیر مجاز و عمل دیگری مجاز باشد که در این صورت در مواد سابق و جدید، فقط متعدی و عامل غیر مجاز مسوول است.

از مفاد ماده ناظر به سبب مقدم در تاثیر ممکن است نتیجه گرفته شود که اگر پزشکی در درمان جراحت وارد شده به وسیله دیگری کوتاهی کند و بیمار بمیرد، پزشک بی‌مبالا مسوول است زیرا در قتل زیان‌دیده جرح سبب مقدم در تاثیر است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ص ۴۶۴) زیرا عمل عامل جرح و پزشک، هر دو، غیر مجاز و تقصیر کارانه بوده است، در حالی که این نتیجه را عرف و عقل سلیم نمی‌پذیرد و تقسیم مسوولیت را ترجیح می‌دهد.

یافته های تحقیق

۱- از بررسی مواد مذکور در فصل موجبات زیان در قانون مجازات اسلامی، استفاده می‌شود که مقنن هنوز از

اندیشه اختلاط مسوولیت مدنی و کیفری فارغ نشده است و موجبات مسوولیت مدنی را در قانون کیفری آورده است.

۲- تحلیل مواد قانون جدید مجازات اسلامی نشان می دهد که تعدد مبنای مسوولیت مدنی از فقه اسلامی به حقوق موضوعه رخنه کرده است ، امری که با طبیعت متفاوت حوادث منشاء مسوولیت مدنی موافق است و راه را برای اجرای عدالت و تطبیق با ضرورت های زندگی صنعتی باز می کند. این بررسی موید آن است که در بحث غصب و ضمان ید از مبنای تضمین حق ، در قسمت تسبیب از مبنای تقصیر نوعی و متعارف و در مبحث اتلاف از نظریه قابلیت استناد پیروی شده است.

۳- راهکار قانون جدید در مورد اجنماع سبب و مباشر تحول مثبتی را تجربه کرده است . تحمیل مسوولیت بر سبب و مباشر، که صرف نظر از میزان تاثیر و به صرف انتساب زیان به آنان ضامن هستند ، نشان می دهد که از یکسو ملازمه ای میان فتوای معتبر و فتوای مشهور نیست ، و از سوی دیگر ، لحاظ کردن انتقادات و ضرورتها در امر قانون گذاری ، نشان از حرکت در مسیر عقلانیت تقنینی دارد.

۴- راهکار مقنن در مورد برگزیدن سبب مقدم در تاثیر در تعدد اسباب طولی ، که در فقه نیز مخالفان سرشناسی دارد، و ملازمه ای نیز میان سبب مقدم در تاثیر با سبب اقوی و موثر در وقوع زیان وجود ندارد ، قابل انتقاد است. مضافا اینکه، با مواد دیگر در خصوص لحاظ میزان تاثیر در ورود زیان با مسوولیت مدنی ، سازگار نیست.

۵- پذیرش تقسیم مسوولیت در مورد مشارکت اسباب متعدد عرضی ، که با نظریه قابلیت تجزیه رابطه ی سببیت هماهنگ است ، امری مثبت ؛ اما عدم لحاظ میزان تاثیر و مداخله هر یک از اسباب در زیان و حکم به تساوی ضمان ، ناسازگار با عدالت است.

۶- انتظار می رود رویه قضایی و پزشکی قانونی در مورد مسوولیت اسباب متعدد طولی، دچار اختلاف و تردید شوند و به مقتضای عدالت و انصاف و بر خلاف ظاهر قانون، به تقسیم مسوولیت بین اسباب متعدد طولی که حادثه به آنان منتسب باشد، حکم کنند و نظریه سبب مقدم در تاثیر، مانند سابق، مهجور و متروک باقی بماند.

منابع فارسی و عربی

- ۱- انصاری، علی و مبین، حجت، (۱۳۹۰)، نظریه قابلیت انتساب در حقوق مسوولیت مدنی مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق فرانسه، مجله پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، شماره یک.
- ۲- حاجی نوری، غلامرضا (۱۳۸۹)، «مطالعه تطبیقی رهیافت های سببیت در مسوولیت مدنی»، مجله فقه و حقوق اسلامی، سال اول، شماره اول.
- ۳- حسینی مراغی، میر عبدالفتاح (۱۳۸۸)، العناوین، ترجمه و شرح عباس زراعت، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، نشر جنگل جاودانه.
- ۴- حسینی مراغی، میر عبدالفتاح (۱۳۸۸)، العناوین، ترجمه و شرح عباس زراعت، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، نشر جنگل جاودانه.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۹)، ارث، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۶- خدابخشی، عبدالله، (۱۳۸۹)، جبران خسارت کارگران در نظام مسوولیت مدنی، چاپ نخست، تهران، نشر انتشار.
- ۷- خدابخشی، عبدالله، (۱۳۸۸)، بیمه و حقوق مسوولیت مدنی، چاپ نخست، تهران، انتشارات روزنامه رسمی کشور.
- ۸- ژوردن، پاتریس (۱۳۸۶)، تحلیل رویه قضایی در زمینه مسوولیت مدنی، ترجمه و تحقیق از مجید ادیب، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

- ۹- ژوردن، پاتریس، (۱۳۸۵)، اصول مسوولیت مدنی، ترجمه و تحقیق از مجید ادیب، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- ۱۰- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۶)، شروط ضمن عقد، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- ۱۱- صادقی، محمود و رعدی، کامبیز و عیسائی تفرشی، محمد (۱۳۸۷)، «بررسی فقهی ضمان قهری مسوولان متعدد»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۲، شماره ۳.
- ۱۲- قیاسی، جلال الدین (۱۳۸۶)، «تساوی سبب و مباشر در حالت تقصیر طرفین»، مجله فقه و حقوق، شماره ۱۲.
- ۱۳- عیسائی تفرشی، شرافت پیمان، محمد رضا و صادقی، محمود (۱۳۸۶) «تاثیر همراهی قوه قاهره با تقصیر خواننده بر مسوولیت مدنی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، شماره ۴.
- ۱۴- امید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۹)، موجبات ضمان، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- ۱۵- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، الزامهای خارج از قرارداد، جلد اول، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۶- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ بیست و هشتم، تهران، نشر میزان.
- ۱۷- کاظمی، محمود، (۱۳۹۱)، «اثر فعل زیان‌دیده بر مسوولیت مدنی عامل زیان»، فصلنامه دیدگاههای حقوق قضایی، شماره ۵۷.
- ۱۸- موسوی خمینی، روح الله، (بی تا)، تحریر الوسیله، جلد دوم، تهران، انتشارات مکتبه العلمیه الاسلامیه.